

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## فرخنده باد سی و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ! درد آتشین به همه رزمندگان آزاد و در بسند ! پیروز باد مبارزه عادلانه حزب توده ایران طلایه دار جنبش انقلابی کشور ما !

## سی و سه سال از زندگی سر اسر نبرد حزب توده ایران می گذرد

مهر ماه امسال سی و سه سال از زندگی حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران میگذرد . این زندگی سی و سه ساله ، یونگدی بیست ساله حزب کمونیست ایران که در تابستان ۱۲۹۹ شمسی سازمانت یافت ، از هر باره پیوسته است . طی این پنجاه و سه سال کمونیستهای ایرانی در شرایط دشوار و نا مساعد تاریخی ، در نبردی نابرابر با سپاه اهریمنی ارتجاع و استعمار ، پیوسته منادیان عالیترین شهرهای عدالت و حقیقت بوده اند و از اینجهت ، در محیطی که ارتجاع و عقب ماندگی دیرینه بر آن تسلط داشته ، به شهیدان ، قهرمانان و طلایه داران تاریخ مبدل شده اند .

حزب توده ایران طی سی و سه سال زندگی خویش ، همواره در مواضع عمده اصولی چون کوهی استوار بوده است . این مواضع عبارت است از : وفاداری بادر زحمتکشان و دفاع از منافع و مطالبه حقوق حقه ، مبارزه با بهره کشی و استعمار و تو استعمار در اشکال مختلف آن ، دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک ، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ، دفاع از حقوق خلفای ایران ، دفاع از صلح منطقه و جهان ، دفاع از شئون مختلف ترقی مادی و معنوی جامعه ، مبارزه رو در رو و بیامان با همه مرتجعان ، جهالت پروران ، غارتگران و ستمگران اجتماعی .

حزب در این مواضع عمده اصولی ، در همه مراحل زندگی خود بی تزلزل ، بی گریز ، سازش ناپذیر بوده و از بر ملا ساختن نیرنگ و دروغ دشمنان خلاق و اعتلاء کلمه حق پروائی نداشته و لذا مورد کین بی پایان و نفرت سوزان نیروها و عناصر تاریکی است که رژیم کدونی ایران و سرمدار شاه تجسم کامل آنهاست . تردیدی نیست که در این راه دواز و پر فراز و نشیب ، در این یکبار پیچیده با دشمنان قوی داخلی و خارجی و مخالفان رنگارنگ ، حزب از خطا و شکست مصون نمانده و نمیتوانست هم بماند . ولی حزب در پیویه رنجبار ولی پرافتخار خویش ، دمبدم برضیح اندیشه و عمل خود افزود و دمبدم از رفیقان نیمه راه ، منحرفان چپ و راست ، جاه طلبان و فرصت طلبان بی ایمان ، کسانی که آنانرا طاق از پیویه دشوار نبود ، زدوده شد . اگر مردمان و سازشکاران و تسلیم طلبانی بودند که بحزب از پشت دشنه زدند ، مبارزان فراوانی نیز از صفوف حزب برخاستند ، که به سنت مبارزه جانانه آرائی وفادار ماندند و در مبد بزرگ تاریخ از هرگونه فداکاری و گذشت تا ایثار جان پیش رفتند . حزب باین فرزندان وفادار خود ، به زندانیان خود ، بهمه کسانی که در شب ظلمانی استبداد دمی از تلاش باز نمی ایستند ، بهمه کسانی که هستی خود را وقف راه او کرده اند و جز این از هر سودائی فرارغ بوده اند و هستند ، می نازد .

حزب توده ایران مکتب بزرگ تربیت فکری و روحی قهرمانی و مبارزه ، نیروی عظیم محرک جامعه ایران و ستاره راهنمای جنبش انقلابی و رهائی بخش خلفای ایران بوده و هست . نقش وی در گذشته و حال بزرگ و در آینده نیز بی شک در خورد گذشته و حال خود خواهد بود . در تاریخ کهن کشور ما هرگز یک سازمان سیاسی انقلابی باین پایه نفوذ و تأثیر دست نیافته است .

دشمنان و مخالفان حزب ما ، با مهره بازی گاه ماهرانه و گاه ناشیانه با فاکتهای دست چین شده ، از عطر سفسطه های گاه خشن گاه ظریف در واقعیات تاریخی ، سعی بلیغ بکار میبردند تا چهره حزب توده در گزگروه جلوه گر سازند ، یعنی گوهر واقعی انقلابی را ستور دارند ، خصیلت طبقاتی ، خاکی و میهنی عمیق آنرا انکار کنند ، و این حزب را بانواع اتهامات فحیح که سزنده خود آنهاست ، متهم گردانند .

ولی تجارب گوناگون نشان داده است که ابرهای تیره سفسطه و اتهام میآیند و میگذرند و خورشید حقیقت کماکان گرم تافتن است . حزب در تاریخ سی و سه ساله خود از این مدعیان زیاد دیده و همیشه با اطمینان راسخ به سرشت پاک اصولی و انقلابی خود ، با ايقان کامل به ریشه ژرف تاریخی خود ، با تکاء و عمل صمیمانه در راه خلق و باور به تضاد تاریخ ، به این گروه کث بر لب ، باوه درای ، بهتانی باف و دشنام گوی با بی اعتنائی نگریدسته است . این مترسکهای رنگارنگ ، یکی پس از دیگری آمده اند و از میدان رفته اند ولی آوای رسای حزب کما کاب در فضای میهن یا ندای رزم طینن افکن است . مترسکهای دیگری که امروز گاه برتخت طلوس و گاه بر منبر انقلابیگری کاذب می نشینند و با همان حربه های سستی چماتی و بهتانی بسراغ حزب ما می آیند ، دیر یا زود سرنگون خواهند شد و حزب کما کاب با سر افزاری پرسالت تاریخی خویش عمل خواهد کرد .

با آنکه بارها این حزب را ، منطه ، اعلام داشته اند و انقلابی مآبان عوامفریب آنرا تاحدیک ، کمیته مرکزی از هم پاشیده ، تنزل داده اند ، ترس واقعی و معنوی دشمنان و مخالفان ، از شاه گرفته تا سفسطه گران مائونیست ، فقط و فقط از این حزب است ، ترس بمعنی واقعی این کلمه .

این ترس در تمام زبر و دم سخنان این دشمنان و مخالفان حزب ، گاه عیان گاه نهان ، احساس میشود . قدرت این حزب منطه ، این ، کمیته مرکزی ، و منط و پاشیده ، در چیست که دیکتاتور ایران و چاکرانش ، مدعیان انقلابیت و پیروانشان را این همه به نعره زن و سفسطه بافتن وامیدارد ؟ پاسخ روشن است ، زیرا حزب توده ایران به حقیقت انقلابی عصر ما - مارکسیسم - لنینیسم ، ایمان دارد ، در زیر درفش انترناسیونالیسم پرلرئی استوار ایستاده و هیچ انوسوی در وی مؤثر نیست و بد خواهان حس میکنند که دارندگان این ، طلسم ، از هفتخوان خون آورد تاریخ پیروز بیرون خواهند آمد .

آری حزب توده ایران پیروزمذ فرداست و در این حقیقت کمترین تردیدی روا نیست . حزبی که زمانی روزنامه ، اطلاعات ، آنرا مشأ همه ناگوارهای رژیم و ، شجره خبیثه ، نامیده ، در واقع ریشه های عمیق در خاک ایران دوانده است و بیشک روزی شاخسار انبوه آن ، میوه های شاداب بیار خواهد آورد . بگذار دشمنان و مخالفان برخورد بلرزد ، از غضب بسردد چنون برسند ، ولی بگذار بدانند که علی رقم هر چرخشی در حوادث و هر درنگ و شتابی در سیر وقایع ، این حکم تاریخ ، سر انجام اجرا خواهد شد . همانطور که آدلف هیتلر در آلمان با ، گشتاوار و سالاراز در پرتقال با سازمان ، پیده و ، یواتیدیس در یونان با سازمان ، آسا ، نتوانستند ریشه معجز نمون سازمان پیشرو انقلابی طبقه کارگر را خشک کنند ، محمد رضا شاه نیز در ایران با ، ساواک ، خود ، بدین کار قادر نخواهد بود .

## بودیم ! هستیم ! خواهیم بود !

روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۴ یکسال از توطئه فاشیستیهای شبلی بسرکردگی ژنرال اوگوستو پینوشه علیه حکومت ، نوینداد پوپولار ، (اتحاد خلق) که در جریان آن رفیق سالوادر آلینده ، رئیس جمهور پر افتخار این کشور بشهادت رسید میگذرد . در این یکسال شبلی که زمانی سرشار از نشاط و نویدآزادی و جولان به سوی آینده بود به سرزمین ماتم زده اعداها ، شکنجه و تورم و گرانی بدل شده و پیشوایان مردم و در پیشاپیش آنها آوینیس کورولان دبیر کل حزب کمونیست شبلی در پس میله های زندان اسیر چنگ دژخیمانند .

رئیس جمهور آلینده پس از پیروزی ، نوینداد پوپولار ، در پنجم سپتامبر ۱۹۷۰ چنین گفت : « ما پیروز شدیم تا بهره کشی امپریالیستی را بشکل نهائی از میان برچینیم ، انحصارها را لغو کنیم ، یک اصلاح ارضی واقعی و عمیق را تحقق بخشیم ، صادرات و واردات را تحت نظارت در آوریم و بانکها را ملی کنیم . پیشرفت شبلی تنها بر این پایه ممکن است . »

و اینها در نظر امپریالیسم جرائم نابخشودنی بود . روزنامه «اپتر» نشنل هرالد تریبون ، روز نهم سپتامبر ۱۹۷۴ مداخله سازمان «سیا» را در سرنگونی حکومت آلینده تصریح کرد و چنین نوشت : « موافق گواهی ویلیام کلبی رئیس آژانس مرکزی جاسوسی (سیا) در کنگره ، دولت نیکسون اجازه داد که طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ هشت میلیون دلار خرج شود تا ادامه حکومت آلینده غیر ممکن گردد . کلبی در یک جلسه سری در کنگره که در آوریل ۱۹۷۴ تشکیل شد گفت که هدف ما ناپایدار ساختن حکومت مارکسیستی آلینده



بود . . . کلبی گفت که این اقدامات را ، کمیته چهار نفری ، در واشنگتن که در واقع مقام عالی سازمان «سیا» است و بر رأس آن هنری کیسینجر قرار دارد ، تصویب کرده بود . آنچه که در یازده سپتامبر ۱۹۷۳ در شبلی با

خرج ۸ میلیون دلار علیه آلینده انجام گرفت ، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران با خرج ۱۹ میلیون دلار علیه مصدق انجام گرفته است . نتیجه این دو توطئه سیا یکی جلا د شبلی است بنام اوگوستو پینوشه و دیگری جلا د ایران است بنام محمد رضا شاه پهلوی . ولی خلفا بمبارزه خود ادامه میدهند و در قبال هیچ توطئه ای تسلیم نمیشوند و نخواهند شد .

## از منابع نفتی ایران باید استفاده معقول بعمل آید

درآمد میناید تولید شود . مسئله اساسی مورد بحث اینست که با توجه به اینکه منابع نفت از جمله منابع «میرنده» است ، یعنی سرانجام زمانی پایان میرسد ، چه سیاستی باید اتخاذ گردد که ضمن تأمین مصرف داخلی و تأمین درآمد ارزی خارجی ، مرگ این بزرگ ترین منبع ثروت ملی ، بتعویق افتد ؛ چه سیاستی باید اتخاذ گردد که هنگام پایان یافتن منابع نفت ، به اقتصاد ملی لطمه ای وارد نشود و یا لا اقل لطمه جبران ناپذیر وارد نشود .

بظار ما میتوان تولید نفت را ، بمنظور طولانی کردن استفاده از منابع نفت ، محدود کرد و در همان حال مصرف داخلی - اگرچه روز افزون باشد و هست - و درآمد ارزی خارجی ایران را هم تأمین نمود . ولی شرط نیل به این هدف آنست که اولاً ایران حاکمیت خویش را بر منابع نفت خود برقرار کند . برقراری این حاکمیت از جمله بمعنی جلوگیری از غارت کدونی شرکتهای امپریالیستی نفتی ، بمعنی جلوگیری از بازی شرکتهای امپریالیستی نفت با قیمت نفت بزبان کشور های تولید کننده نفت است ، و این هر دو بدینمعنی است که ایران سهم واقعی خود را از درآمد نفت - دنباله در صفحه ۲

بحث در باره قیمت نفت - افزایش ، کاهش و یا تثبیت قیمت نفت - به بحث در باره افزایش ، کاهش و یا تثبیت تولید نفت در کشور های تولید کننده نفت کشیده است ، بدینمعنی که گروهی از کشورهای تولید کننده نفت پیشنهاد میکنند که برای جلوگیری از کاهش بهای نفت ، تولید نفت کاهش یابد . همزمان با این بحث و در چارچوب بحث درباره «بحران انرژی» ، یعنی هم بطور کلی بمیان آمده

مبنی بر اینکه چون منابع نفت تمام شدنی است ، میباید تدابیری برای جلوگیری از بهره برداری بیحساب از منابع نفتی اتخاذ گردد . صرفنظر از اینکه اوپک - و از جمله ایران - تصمیمی برای کاهش و محدود کردن تولید نفت اتخاذ کند یا نه ، و صرفنظر از اینکه تصمیم در باره کاهش و محدود کردن تولید نفت بر چه پایه ای مبتنی باشد - برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت یا برای جلوگیری از اتلاف منابع نفت - ما میل داریم بار دیگر موضوع اصولی خود را در باره تولید نفت و سیاست دولت ایران در این زمینه بیان داریم . این نکته روشن است که اولاً نفت برای مصرف داخلی و ثانیاً نفت برای صدور به خارج و کسب

### بساط سلطنت استبدادی

#### « شاه شاهان »

#### در حبشه بر چیده شد

بر کناری دولت آ کلیا و آبه و ولد ، در فوریه ۱۹۷۴ بوسلیه نیروهای مسلح حبشه ( اتیوپی ) نقطه تحولی در زندگی آکنده از درد و ستم مردم این کشور بود . فقر عمومی که در نتیجه خشکسالی چند سال اخیر و استثمار شدید فئودالان ویی توجیهی وسوء استفاده مقامات دولتی دزد و فاسد تا حد توانفرسائی شدت یافته بود و باعث مرگ دهها هزار مردم رنجیده گردید ، عناصر مترقی و میهن پرست ارتش و پاپس حبشه راه پیشبانی امروزه و قیام علیه دولت برانگیخت . در نتیجه این قیام بسیاری از وزراء و مأموران عالیترتبه دولتی از جمله نخست وزیر ، بازداشت شدند . دولت جدیدی به نخست وزیری ، اندل کاچه نو - ماکرون ، برای انجام رفرم در تمام شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور بر سر کار آمد . ولی بزودی معلوم شد که این دولت خود آلت دست ارتجاع است . دولت جدید در حالی که تمام نیروی خود را علیه طبقه کارگر ، انحصاری های کارگری و انحصارات کارگری و نیز علیه سایر نیروهای مبارز متوجه کرده بود ، میکوشید وسایل آزادی خائنین بمردم را فراهم آورد و راه را بر اصلاحات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی سد کند . ولی نیروهای مترقی ارتش و پاپس که در « کمیته هماهنگی نیروهای مسلح » متحد شده بودند ، پیش از آنکه فرصت از دست برود و نیروهای ارتجاع ابتکار عمل را بدست گیرند ، در ماه ژوئن دوباره وارد میدان شدند و با اشغال مجدد ایستگاههای رادیو و تلویزیون و فرودگاه و سایر مراکز مهم و حساس ، برکنار کردن حکومت خائن و سپردن زمام امور کشور بدست « میکائیل ایمره » ، مرحله تازه ای در مبارزه علیه ارتجاع و فساد و تأمین اصلاحات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آغاز نهادند .

درباربان و اطرافیان هایله سلاسی ( که خود را « امپراتور » و « شاه شاهان » و « شیر فاتح یهودا » مینامید ) سران فئودالها و مقامات عالیترتبه دولتی باز داشت شدند . شورای سلطنتی و دادگاه استیضاف امپراتوری ، که دستگاههای اجرایی و قضائی کشور را عملاً در دست داشتند ، منحل شدند ، کاخها و ویلاهای متعدد سلطنتی و بزرگترین شرکت حمل و نقل کشور که تمام سهام آن به هایله سلاسی و درباریان و بارانش تعلق داشت ، ملی گردید و وزارت دربار منحل شد . دولت طرح قانون اساسی جدیدی را منتشر کرد . در این قانون اختیارات مطلقه « شاه شاهان » از او سلب شد ، برابری مردم در برابر قانون ، آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سازمانهای صنفی و سیاسی ، تحصیل رایگان و تأمین بیمه های اجتماعی اعلام گردید . برای رسیدگی به سوء استفاده و جنایات مقامات عالیترتبه دولتی کمیسیون خاصی تشکیل شده است . در نخستین گزارش این کمیسیون گفته میشود که مقامات دولتی و فئودالها مسئول اساسی مرگ دهها هزار تن از مردم حبشه در مناطق قبلی زده هستند . بدینجهت نخست وزیر سابق و عده ای از وزراء و استانداران کشور تسلیم دادگاه خواهند شد .

دولت جدید برنامه های وسیعی برای رفرمهای اجتماعی و اقتصادی تنظیم کرده است ، انتخابات عمومی بزودی آغاز خواهد شد . اکنون دوره های تازه و امید بخشی در برابر مردم ستم دیده حبشه بوجود آمده است . در تمام ظلم و ستمی که نسبت به مردم حبشه انجام گرفته ، گناه اصلی متوجه شخص هایله سلاسی است . شاه با سلطنت مطلقه خود و غارت مردم کشور را به تباهی و مردم را تا مرز نابودی سوق داده بود . خبرگزاریها خبر دادند که این « شاه شاهان » یازده میلیارد دلار پول نقد و چند تن طلا در بانکهای خارجی اندوخته دارد . در بسیاری از نامه هایی که به مطبوعات حبشه میرسد ، مردم برانداختن تمام نهادهای کهنه و پایان دادن به نظام فرسوده را طلب میکنند . در تظاهرات وسیعی که در اوایل سپتامبر از طرف دانشجویان در آدیس آبابا انجام گرفت ، برای نخستین بار شعار

## « قیام » پلیس

از : یوگنی یوتوشنکو ، شاعر شوروی

سازمان خون آشام ، پیده ، که مانند مساواته در دوران سالازار و کایتانو در پرتغال گرم شکنجه دادن و آدمکشی بود ، در اثر تحولات دمکراتیک در این کشور منحل شد و عده ای از کارگردانان آن زندانی گردیدند . این آقایان در زندان دست به « قیام » زدند ! شعر زیرین از شاعر معاصر شوروی یوگنی یوتوشنکو در رابطه با این حادثه سروده شده و در « پرودا » نشر یافته است و اینک ترجمه آن بنظر خوانندگان مردم ، میرسد .

### پلیس دوران سالازار

« پاسدار امنیت » در عهد کایتانو

اسمش را عرض میکنم ، تأمل کنید

تلفظش چندان سخت نیست ، پیده

بله پیده ، که متصل زاغ سیاه مردم را بچوب میزد که همه را دنبال میکرد ، حبس میکرد ، زیر شکنجه میکشت

حالا خودش به « هلفونی » تشریف فرما شده

واقعا خیلی اسباب دلخوری است

« آه چقدر این سوپ آبکی است ! »

« چقدر اوضاع اینجا اقتضاح است ! »

و راویان گویند که در زندان لیسبون

پیده در هتل ناراحت کنونی خود

کف بر دهان ، قیام کرده

پلیس و زندان ؟ بچاره ها !

واقعا این عجوزه تاریخ چقدر مزاحم است !

پلیس در زندان سرگرم جارو و پارو .

آنهم در این سوراخ کشف و بی معنی ؟

اوه ببخشید ، ولی ایتر که خودتان ساخته اید

شما بودید که در این شکنجه خانه ها

امریه اجراء میکردید .

ببخشید اگر گزش ساسه افندری نازاحتان کرده .

میل داشتید سینما بروید ؟

گردش در خیابان دلتان خواست ؟

ولی آخر امروز دیگر کسی احمق نمیشود

واقعا چقدر خنده دار است

« قیام » جناب پیده در زندان .

برکناری هایله سلاسی مطرح گردید . کمیته هماهنگی این خواست مردم حبشه را عملی ساخت . هایله سلاسی از سلطنت معزول گردید و بدینسان ارکان یکتخت و تاج استبدادی دیگر فرو ریخت و بساط « شیر فاتح یهودا » و « شاه شاهان » بر چیده گردید .

حوادث حبشه و تجربه آن برای مردم ستم دیده و نیروهای مترقی ایران ، بخصوص برای ارتشیان و یمن مادارای اهمیت فراوان است . جایی که نیروی های مسلح که خود از میان توده مردم برخاسته اند ، بمبارزه مردم پیوندند و در راه حفظ منافع آنان گام نهاد ، پیروزی بر نیروهای سیاه ارتجاع امری تحقق پذیر خواهد بود . بعلاوه این حوثث نشان میدهد که برخلاف ادعای شاه ایران و شیویرچیان دربار که گویا کشور بدون شاهنشاه قدرت بقاء ندارد ، اتفاقاً رستاخیز واقعی آن کشور زمانی آغاز میگردد که این کابوسهای تاجدار از پیشکر میهن و مردمش دور گردند و مردم بدترتدید ، تنفس و عمل آزادانه دست یابند .

## شرکتهای اسلحه سازی آلمان غربی در ایران رخنه میکنند

رژیم خونخوار شاه ایران به خرید تانک « لئوپارد » آلمان غربی اظهار علاقه می کند . حداقل چهار شرکت اسلحه سازی آلمان غربی که بزرگترین صادر کنندگان اسلحه در دوران پس از جنگ دوم جهانی هستند ، راه خویش را با ایران باز کرده اند . این چهار شرکت بزرگ اسلحه سازی عبارتند از : شرکت اسلحه سازی « فلیک و هانبل » از « بایر » ، شرکت « دریل » ، شرکت « کراوس - مافس » و شرکت « رشلینگ » از « دوسلدورف » . این شرکتها اجازه کامل ساختمان زره و زنجیره تانک و دستگاههای موتور و ریختن توپهای تانک را برای کشور « تخت طاووس » بدست آورده اند . ژنرال طوفانیان رئیس صنایع اسلحه سازی ایران و نخست وزیر هویدا طی مسافرتهاى خود به آلمان غربی از مؤسسات اسلحه سازی نامبرده دیدن کرده اند . « زنگنه ریدمان » معاون « لبر » وزیر دفاع آلمان غربی که از نزدیکان شرکت فلیک و کیمپانی است شخصاً به ایران رفته است و در باره ساختمان زرادخانه نظامی مذاکرات مقدماتی را در ایران انجام داده است . ( روزنامه « اونزره تسایت » شماره ۱۲ اوت ۱۹۷۴ )

دنباله از صفحه ۱

### از منابع نفتی ایران باید . . .

که اکنون بخش قابل ملاحظه آن به جیب شرکتهای نفتی امپریالیستی میروند - دریافت کند . بسخن دیگر اگر حاکمیت ایران بر منابع نفت خویش تأمین شود ، میتوان تولید نفت را محدود کرد ، ولی همین درآمد را بدست آورد و حتی افزایش داد . ثاباً میباید درآمد نفت صرف رشد واقعی و همه جانبه اقتصاد ملی ایران گردد ، بطوریکه در آینده اقتصاد ملی ایران بدون نفت هم بتواند نه فقط روی پای خود بایستد ، بلکه به رشد و تکامل خود ادامه دهد . ثالثاً بهمین ترتیب که در زمینه تعیین بهای نفت میباید سایر کشورهای تولید کننده نفت در چهار چوب اوپک ، مشورت و همکاری کرد و تصمیم مشترک اتخاذ نمود ، در زمینه تعیین سطح تولید نفت نیز میباید وحدت نظر و عمل بین کشورهای تولید کننده نفت بوجود آید . جنبه متحد در تمام زمینه ها ، از جمله در زمینه تولید نفت ، مانع آن خواهد شد که شرکتهای امپریالیستی نفت از اختلاف بین کشورهای تولید کننده نفت برای اعمال فشار و تحمیل سیاست امپریالیستی خود به آنها استفاده کنند .

سیاست دولت ایران در زمینه تولید نفت چیست ؟ برای دولت ایران تا همین اواخر مسئله تولید نفت فقط در ارتباط با درآمد نفت مطرح بود ، یعنی دولت ایران برای افزایش درآمد نفت خود تنها چانه ای که با شرکتهای نفتی میزد ، در باره افزایش تولید نفت بود . و این بدترین و زیان بخش ترین راه افزایش درآمد نفت است ، زیرا افزایش تولید نفت با حفظ تسلط شرکتهای امپریالیستی نفت ، با حفظ سود غارتگرانه شرکتهای امپریالیستی نفت ، با اینکه بر درآمد نفت ایران می افزاید ، ولی بطور عمده بمعنی حفظ و تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم ، از دست دادن بخش عمده درآمد نفت و به تدریج کسانین سریع منابع نفت است . در جریان بحث درباره « بحران انرژی » شاه و سایر زمامداران ایران هم به سخن پراکنی در باره محدود کردن تولید نفت و طرفه جوئی در سوخت این « ماده نجیب » پرداختند . ولی این سخن پراکنیها در همان مرحله سخن پراکنی باقی مانده است . چون در عمل نه فقط تولید نفت ایران توسط شرکتهای موجود نفتی - بدون پیش بینی آینده - افزایش می یابد ، بلکه با دادن امتیازات تازه به شرکتهای جدید نفتی ، از منابع جدید نفتی ایران نیز - باز هم بدون پیش بینی آینده - بهره برداری میشود . این واقعیت هم که درآمد نفت ایران بطور عمده صرف تسلیحات و دستگاه انتظامی و اداری میشود ، و در این اواخر وسیله کمک به نجات سرمایه داری غرب از بحران نیز قرار گرفته است ، نیازی به تأکید ندارد . بدینسان آن سیاست ضد ملی که منابع نفت ایران را به حراج گذاشته است ، همچنان ادامه دارد .

سیاست نفتی دولت ایران ، که اینچنین بی پروا بزرگترین ثروت ملی ایران را بر باد میدهد ، در عین حال تولید این وابستگی است که شاه و گمشدگان ، علیرغم تظاهر و سرو صدا در باره حکومت ادبی و خاندان بهائوی و سرمایه داران و مالکان بزرگ ، حکومت خود را موقت و گذرا میدانند . آنها در فکر حال و آینده ایران نیستند . آنها این ثروت ملی را بر باد میدهند تا مگر بتوانند دوران حکومت موقت و گذرای خود را طولانی تر کنند . مردم ایران بر باد دهندگان ثروت ملی خود

### دروغی که افشاء شد

اخیراً جرالد فورد رئیس جمهور امریکا ضمن مصاحبه ای بار دیگر مسئله ساختمان پایگاه آمیتیک و دریائی امریکادر جزیره مرجانی « دیه گوگارسیا » واقع در اقیانوس هند را بمیان کشیده و گفت که ایالات متحده امریکا قصد دارد به ساختمان این پایگاه ادامه دهد و استدلال کرد که این پایگاه برای آن ضرور است که اتحاد شوروی در سه نقطه اقیانوس هند پایگاه نظامی دارد .

این دعوی جرالد فورد نظیر ادعای شاه ایران است که در مورد پایگاه « دیه گوگارسیا » به مغرب روزنامه هندی « بلیتس » گفته بود که وقتی دیگران یعنی ( اتحاد شوروی ) در اقیانوس هند پایگاه دارند ما نمیتوانیم امریکا را از ساختن پایگاه منع کنیم ، چنانکه میدانیم باید پایگاه نظامی جدید امریکا در اقیانوس هند همه کشورهای آسیائی ( حتی اندونزی ) اغتراض کردند ، بجز چین و ایران .

در نتیجه تکرار این دعوی در اظهارات اخیر جرالد فورد مطبوعات شوروی متذکر شدند که این اظهارات رئیس جمهور امریکا بی پایه است و اتحاد شوروی هیچگونه پایگاهی در اقیانوس هند ندارد .

ولی پنتاگون در تأیید اظهارات رئیس جمهور امریکا بنظر خود « فاکتهائی » را منتشر کرد حاکی از آنکه گویا اتحاد شوروی در « ام القصر » ( عراق ) و « بربره » ( سومالی ) و عدن ( جمهوری دمکراتیک یمن ) پایگاههای دارد . بدنبال این ادعای باصطلاح مشخص پنتاگون ، خبرگزاری عراق ضمن اطلاعیه ای تصریح کرد که وجود پایگاه شوروی در « ام القصر » از اول تا آخر دروغ و جعل است . سفیر جمهوری دمکراتیک یمن در پاریس و دولت جمهوری دمکراتیک یمن اظهاریه ای وجود چنین پایگاههایی را در کشور خود شدیداً تکذیب کردند .

جالب توجه است که هر سئوالی که از مؤسسه بررسیهای استراتژیک بعمل آمده و رادروی لندن ( بی بی سی ) آنرا منتشر کرده است سؤال کننده می پرسد که آیا شوروی در سه محل نامبرده دارای پایگاه هست یا نه ؟ مؤسسه فوق پاسخ میدهد که تا پایگاه را ما به چه معنی درک کنیم . شوروی در این سه محل نیروی مسلح ندارد ، قرار گاه دائمی ندارد ، استحکامات و مؤسسات ساخته شده ندارد . و از اینجهت نمیتوان از پایگاه صحبت کرد . اینک جرالد فورد ، شاه ، پنتاگون و تهمت زندندگان یمن در مقابل این دروغ افشاء شده چه میگویند ؟

### تصحیح

در مقاله « صدای سازمان امنیت از دهان مائو » نیتها بیرون نیامده است . در شماره ۱۱۸ مردم بعد از - در این میان ناگهان صدای بیگانه - این جمله افزوده شود : « های بر خاست و به این عمل صیحت دیران کفدراسیون « اعتراض » کرد . این صیحت بیگانه . . .

را هرگز نمی بخشند . مردم ایران مبارزه خود را برای برچیدن بساط حکومت این خود کامگان و غارتگران ، برای استقرار حاکمیت خود بر منابع نفت ایران ، برای استفاده معقول از منابع نفت ایران بسود رشد و تکامل اقتصاد ملی ایران و ایجاد یک زندگی آزاد و مرفه تشدید میکنند . این واقعیت را هم باید شاه و گمشدگانش بدانند . م . انوشه .